



دوره هفتم تقنینیه

جلسه ۱۶۳

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات قبل از دستور)

پنج شنبه اول آبان ماه ۱۳۰۹ - ۳۰ جمادی الاولی ۱۳۴۹

قیمت اشتراك سالانه ۱۳۰ تومان
داشته ۱۰۰ تومان
تخارج ۱۳۰ تومان
تک شماره: یکقران
نصفه مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنج شنبه اول آبان ماه ۱۳۰۹ * (۳۰ جمادی الاولی ۱۳۴۹)

فهرست مذاکرات

- ۱ (تصویب صورت مجلس)
 ۲ (بقیه شور لایحه اصلاح قانون ممیزی)
 ۳ (موقوف و دستور جلسه بعد - ختم جلسه)

مجلس يك ساعت و نيم قبل از ظهر برباست آقای دادگر تشکیل گردید

[۱ - تصویب صورت مجلس]

صورت مجلس چهار شنبه سی ام مهر ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند * * *

- رئیس .. در صورت مجلس نظری نیست ؟ (نمایندگان) تسلیم نمایند .
 خیر (صورت مجلس تصویب شد .
 (۳ - بقیه شور لایحه اصلاح قانون ممیزی)
 رئیس .. ماده چهارم قانون ممیزی قرائت میشود :
 ماده چهارم - کلیه مالکین و یا نمایندگان آنها مکلفند
 که شصت روز بعد از تصویب این قانون منتهی در ظرف سه ماه
 اطلاعات ذیل را کتباً با اداره مالیه محل و یا نماینده آن
 ۱ - اسم ملک و ولایت که در آن واقع است .
 ۲ - اسم یا اسامی مالکین .
 ۳ - میزان متوسط انواع محصول ملک بر طبق عمل
 کرد ملک در سه سال از سالهای اخیر بدون آفت .
 ۴ - عواید نقدی و جنسی مالک در سال عادی
 بدون آفت .

* * * عین مذاکرات مشروح یکصد و شصت و سومین جلسه از دوره هفتم تقنینیه . (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

دايره تنه نویسی و تحریر صورت مجلس

* * * اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده است :

- غائبین با اجازه - آقایان : جدیری - رهبری - دکتر ملک زاده - عباس - میرزا - افسر - بوشهری - دکتر سنگ - مفتی -
 محمد طبرزای دولتشاهی - پالیزی - آصف - اعظم - حاج میرزا حبیب الله امین - کاشانی - فرشی - لرستانی - رحیم زاده - موخر
 طباطبائی وکیلی - حاج سید محمود - حاج غلامحسین ملک - تهبور تاش -
 غائبین بی اجازه - آقایان : میرزا حسنخان وثوق - دکتر امیراعلم - محمد ولی میرزا - عدل - حاج رحیم آقا - میرزا ابراهیم
 بیات - حاج حسین آقا مهدوی - شیخ علی مدرس - حاج حسن آقا ملک .
 دیر آمدگان با اجازه - آقایان : فهیمی - مسعود - ضیاء
 دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : هزار جریبی - شریعت زاده

۵ - عده جفت گاو و یا عوامل متشابه.

۶ - تناسب تقسیم محصول بین مالک و رعیت.

۷ - مخارج معمولی ملک در هر سال.

نسبت باملاکی که در اجاره هستند اطلاعات مذکوره باید بامضای مالک و یا نماینده آن و مستاجر ملک باشد وزارت مالیه مکلف است که از تاریخ تصویب اینقانون منتهی تا دو ماه تمام وسائل انجام اظهارنامه های فوق را در هر محل تهیه و اعلانات لازمه را چه بوسیله مامورین خود و کدخدایان قراء و چه بوسیله نشر در جراید منتشر سازد و اوراق اظهار نامه را تهیه و بدسترس مالکین گذارد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب - هر قانونی که مطرح میشود بر دو قسم است يك دفعه يك ماده ارشادی است و يك دفعه هم ماده الزامی است که در تخلف او عقاب است اگر این ماده بعنوان ارشادی بود که مؤدیان مالیات روی کمک کردن بوزارت مالیه این کارها را باید بکنند نسبت بخودشان آن تکلیفی که راجع بخودشان است آنها ملزمی است اما نسبت باین که جنس چه جور است و ترتیبیاتی که حالا عرض میکنم چه جور است اگر آنها ارشادی بود و در تخلف او عقابی نبود که این ماده خیلی خوب بود اما چون در ماده پنج و مواد بعد يك مجازاتی از برای تخلف نسبت باین ماده ذکر کرده است تخلف نسبت باین ماده که ذکر کرده است بنده از این جهت نظر دارم و مخالفم بواسطه خاطر اینکه ما میخواهیم مؤدیان مالیات را مکلف بسازیم از برای مأموریت برای وزارت مالیه خیر وزارت مالیه خودش مکلف است اطلاعات را کاملاً نسبت به طرز زراعت پیدا کند مکلف بودن وزارت مالیه چه ربطی دارد که مؤدیان مالیات تکلیفی برای او معین کنند بنده که مؤدی مالیات هستم بگویم آقا بنده ملکم در عراق واقع شده يك جفت گاو در آنجا کاهبندی میکنم سالی هم دو خروار گندم آنجا کیرم میاید قسمت ما بین من و رعیت سه کوت است یا پنج و دو است این راجع بمردم

است خیلی هم خوب است و تخلف هم کردم نسبت باین مقدار بعد از اینکه مامور مالیه وزارت مالیه اطلاع پیدا کرد اگر تخلف پیدا کرد مجازاتم اینقدر باشد اما بنده بیایم و خبر بدهم که آقا ملک بنده (مگر بنده مفتش وزارت مالیه هستم) ملک بنده در عراق تقسیم میشود به شعیرات و نود و نه شعیرات پنج شعیرش مال آقای مصباح است و ده شعیرش مال دیگری است بچه دلیل من این کار را بکنم و بچه دلیل همچو تکلیفی بر من میشود که من در قانون رأی بدهم که مؤدیان مالیات مکلف باشند که راپرت مفصلی بوزارت مالیه بنویسند نسبت به آن ملکی که در فلان جا واقع شده است این موضوع را خود آقای معاون تصدیق میکنند که تکلیفی که راجع به خود شخص نیست و نسبت به غیر است و در مقابلش عقاب ذکر شده است که مجازان بشود این ترتیب نمیشود و بنده عقیده ندارم نسبت به خودش همانطور که عرض کردم معین است و بنده این ماده را اصلاح کردم و پیشنهادش را تقدیم میکنم. این يك موضوع. موضوع دیگر این بود که آقای کازرونی صحبت کردند که اگر يك نفر در سفر باشد و ملکش در اجاره باشد وقتی که در اجاره بود باید این تکلیف را که معین کرده اند آن مستاجر بنویسد و اینکه هم بامضای مالک باشد و هم مستاجر این نمیشود و باید اینجا زیاد بشود که در صورت امکان اگر مالک در ایران نباشد و در جای دیگر باشد مثلاً در کربلا باشد یا فرنک باشد ملکش را باجاره داده است و رفته است این تکلیف دیگر باو تعلق نگیرد و این کلامه باید در این جا زیاد بشود مخالفت بنده در اینجا از همین جهت بود و این هم ماده پیشنهادی است که تقدیم میکنم (پیشنهاد خود را تقدیم مقام ریاست نمودند)

رئیس - آقای مؤید احمدی - عرض کنم در دو موضوع که آقای آقا سید یعقوب مخالفت فرمودند در موضوع اول همچنانکه مؤدی مالیات مکلف است به ادای مالیات و

شما وقتی ادای مالیات را تکلیف او میدانید پر کردن چهار تا سؤال اشکالی ندارد چنانکه مکلف است به پرداخت مالیات این سؤالات را هم جواب میدهد (آقا سید یعقوب - نمیدهد) (طالبشخان - نمیدهد زورش می آید) عرض کنم در دوره گذشته که مقصداری از املاک را ممیزی کردند تقریباً ستونهایی که نوشته بود چهل یا پنجاه سؤال شده بود و همه راهم جواب داده بودند نیست جایی که ممیزی شده باشد و آن اوراق را پر نکرده باشد و حالا خیلی آسان کرده اند که سؤالات اولاً هفت فقره است هفت فقره سؤال است که از هر مؤدی می شود و اینکه فرمودید در دهات نمی شود این جا نوشته اند بامامورین مالیه یا نماینده او این را برای استحضار خاطر آقا عرض می کنم که در دهات خرده مالک بموجب نظامنامه وزارت مالیه هر دهی يك نفر مباشر معین میکنند و آن مباشر مالیات را از خرده مالکین اخذ میکند و میدهد به نماینده مالیه و حقوق هم ندارد (کلالی - اغلب این طور نیست) نظامنامه مالیه این طور است که مالیات را مینویسند و میدهند به مباشرین و آنها جمع آوری میکنند و حالا هم همینطور است پس همین اوراق راهم میدهند به مباشرین و مباشرین هم میدهند به خرده مالکین و آنها هم این سؤالات را مینویسند و برای آنها هم خیلی آسان است اما در قسمت دومی که فرمودید بنده هم با حضرتعالی موافقم این جا باید ماده اصلاح شود بعبارت اینکه ممکن است فلان آدم ملکش را اجاره داده باشد و رفته باشد به اروپا یا بنده در کرمان ملک دارم و اجاره داده ام و خودم در طهران اصلاً عایدات او را من نمیدانم که چه چیز است مالک را مکلف کردن که او يك صورت بدهد و مستاجر هم يك صورت بدهد این درست در نمی آید این را باید اصلاح کنند.

مخبر کمیسیون قوانین (آقای مصباح فاطمی) - این جا گویا درست توجه نکردند آقا مقصود این است که بامضاء مالک یا مستاجر باشد (بعضی از نمایندگان - خیر ماده اینطور نیست) نسبت باملاکی که در اجاره است اطلاعات مذکوره باید بامضای مالک یا نماینده او و مستاجر

(کازرونی - هر دو) و نظر این بود که عرض کردم حالا ممکن است پیشنهاد بکنید

رئیس - عبارت غیر از این است این نظر را نمیرساند ماده این است که بامضای مباشر و نماینده و مستاجر تواما باید باشد مگر این که (واو) را بردارید و (یا) بکنید اگر اینطور اصلاح کنید صحیح است میتوانی چون مخبرید تصحیح بکنید. آقای فیروز آبادی.

فیروز آبادی - بنده اینجا هر چند با اصل لایحه کلیه مخالفم لکن يك اصلاح عبارتی بنظر من می آید که نوشته است که کلیه مالکین یا نماینده آنها مکلفند که شصت روز بعد از تصویب این قانون منتهی در ظرف سه ماه این معنایش چه چیز است یعنی شصت روز دیگر آنوقت که سه ماه گذشت این اظهار نامه را باید بدهد که جمع میشود پنج ماه یا جمع میشود سه ماه خوب است در اینجا يك توضیحی داده شود و اسباب زحمت نشود که جمع پنج ماه میشود. غرض این توضیح بود.

رئیس - آقای دشتی - بله.
رئیس - آقای یاسائی - مقصود از عبارتی که در کمیسیون گذاشته شده بود همان پنج ماه است که در دو ماه مالیه مقدمات کار را فراهم میکند و اظهار نامه را تهیه میکند و سه ماه هم مالکین در دادن اظهار نامه و جواب آن مهلت دارند که جمع پنج ماه میشود.
رئیس - آقای دشتی - غرض بنده هم همان بود که آقای فیروز آبادی فرمودند و حق با ایشان است عبارت ناقص و غلط است از این جهت از آقای مخبر خواهش میکنم که در شور ثانی عبارت را طوری کنند که این معنایی که آقای یاسائی اظهار کردند از عبارت مفهوم شود و بیرون بیاید.
رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - مخالف

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - نظر بنده در قسمت همان ملکی بود که دواچاره باشد که آقای اعتبار داشتند که یا بنویسند بجای (واو) برعکس بنده موافقم که (واو) باشد برای اینکه غالباً دیده میشود که مستأجرین با مالکین يك اختلافاتی دارند همیشه هم این داد و فریاد ها را در عدلیه دارند و اگر ما اختیار را بدهیم به مستأجرین که آنها بخواهند توی زندگی ارباب وارد شوند عمل خوبی نیست و عقیده بنده اینست که باید مستأجر با اجازه مالک و مراجعه به مالک نوشته شود و البته مالک يك مباشری دارد و اگر نداشته باشد مراجعه میکند بخودش و کسی هم که در فرنگ است که آقایان مثال زندان البته او هم يك کسی را در طهران دارد و البته هر کسی که ملکی دارد يك کسی را هم دارد که مستأجر به او مراجعه کند و اینطور باشد بهتر است و اشکالاتی که در عمل ممکن است پیش بیاید رفع شود

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - کافی است؟ (نمایندگان - بلی) پیشنهادات قرائت میشود:

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

پیشنهاد در ماده چهارم: بعد از کلمه باامضاء مالک نوشته شود در صورت امکان

پیشنهاد آقای طباطبائی دیبا

پیشنهاد میباید آخر سطر سوم ماده چهارم بترتیب ذیل نوشته شود:

کتاباً با داره مالیه محل و یا نماینده آن تسلیم نمایند اداره مالیه هم مکلف بدادن رسید خواهد بود

پیشنهاد آقایان اسکندری و مهدوی

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی در ماده چهارم در آخر ماده بجای کلمه دسترس مالکین

نوشته شود اوراق بمالکین داده رسید گرفته شود

پیشنهاد آقای امیر تیمور

پیشنهاد هیکنم قسمت آخر ماده چهارم بطریق ذیل اصلاح شود:

و اوراق اظهار نامه ها را تهیه و بمالکین تسلیم کنند و بعد از اخذ اظهار نامه مالیات بمیزی قانونی ملک را مشخص و از همان سنه دریافت دارد

پیشنهاد دیگر آقای آقا سید یعقوب

پیشنهاد میکنم ماده چهارم این نوع اصلاح شود

۱ - اسم ملک و ولایتی که ملک در آن واقع است
۲ - اسم مالک مالیات دهنده

۳ - میزان متوسط انواع محصولی که خود مالک اظهار دهنده در پنجسال از سالهای اخیر بدون آفت

۴ - عوائد نقدی و جنسی که در سال عادی برداشت کرده

۵ - عده عوامل زراعت که بکار وادار نموده

۶ - تناسبی که بین خود و رعیت در تقسیم زراعت دارد

۷ - مخارج معمولی که در هر سال مینماید

پیشنهاد آقای قنوجی

مقام منبع ریاست معظم مجلس دامت شوکت

پیشنهاد میکنم که آخر ماده چهارم این طور تنظیم شود:

و اوراق اظهار نامه ها را تهیه و بدسترس مالکین گذاشته پس از اخذ اظهار نامه مالیات بمیزی قانونی را مشخص و بوقع اجرا گذارد

پیشنهاد دیگر آقای طباطبائی دیبا

پیشنهاد میباید آخر ماده چهارم بترتیب ذیل نوشته شود:

نسبت به املاکی که در اجاره است اطلاعات مذکوره باید باامضاء مالک و یا نماینده آن و مستأجر ملک توأمأ

باشد و در صورت استنکاف مستأجر از امضاء مالک در اظهار نامه استنکاف او را قید مینماید

پیشنهاد آقای فولادوند

بنده پیشنهاد میکنم ماده چهارم بطریق ذیل اصلاح شود:

در قسمت جمله منتهی در ظرف سه ماه اطلاعات ذیل را جمله: در مقابل تقاضای کتبی وزارت مالیه علاوه نمایند

پیشنهاد آقای دهستانی

پیشنهاد میکنم ماده ۱۰ این قانون حذف و بجای آن در ماده چهارم تبصره ذیل اضافه شود:

تبصره - قانون مالیات بمیزی بااستثنای مواد ۲، ۳، ۷، ۸، ۱۰، ۱۷ که ملغی میشود بقیه مواد بضمیمه این

قانون علاوه برآن که بوسیله وزارت مالیه بااطلاع عامه خواهد رسید بوسیله وزارت داخله نیز بتوسط کدخدایان

باطلاع اهالی قراء باید برسد

پیشنهاد آقای فیروز آبادی

در ماده چهارم اصلاح ذیل را پیشنهاد مینمایم بعد از در ظرف سه ماه نوشته شود که جماعاً پنج ماه می شود

رئیس - ماده پنج قرائت میشود:

ماده ۵ - در صورت تخلف مکلفین بدادن اظهارنامه از انجام مقررات ماده فوق تا زمان وصول اطلاعات مزبوره از طرف اشخاصی که مطابق اینقانون عهده دار دادن آنها

میباشند علاوه بر مالیات معموله ملک معادل مالیات مزبور اضافه مالیات اخذ خواهد شد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - نظر بنده در این ماده این است که چون عقیده ام در آن ماده چهارم این بود که مکلف نیست مؤدی مالیات آن تفصیل را بگوید زیرا آن

چیزی که راجع بخودش بود اگر تخلف کرد مجازات برایش قائل شویم اما آن چیزهایی که راجع بخودش نیست نمیتوانیم مجازات برایش قائل شویم حالا چون

نظر بنده این بود و این عقیده را بنده پیشنهاد کرده بودم این است که پیشنهاد میکنم آن اطلاعاتی که راجع بشخص

خودش است اگر تخلف کرد در مدت مقرر يك مقابل همان مالیات هم زیاد است بعلمت اینکه آقای وزیر مالیه مکرر اینجا فرمودند که ما در اینقانون نظرمان نظر ارفاقی است با این نظر ارفاقی نمیشود تخلف کردن از يك امر سهلی را آنوقت يك مجازات بزرگ برایش قائل شویم بعلمت اینکه يك کسی است که مالیاتش ده هزار تومان است اگر تخلف کرد و در موعده مقرر نداد ده هزار تومان دیگر ازش بگیرند این نظر ارفاقی شده است؟ ملاحظه کنید لافل ببینید که این مالیاتی که میدهد چه اندازه است بنده پیشنهاد کردم که مالیات دهنده چنانچه در موعده مقرر نسبت بان اطلاعات شخصی که خودش باید بدهد اگر تخلف کرد و نداد عشر مالیات آن سال را باعتبار تخلف از آن تکلیفی که کرده اند باید بدهد اینهم پیشنهادی است که کرده ام و تقدیم میکنم

رئیس - آقای یاسائی موافقت؟

یاسائی - عرض ندارم

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - مخالفم

رئیس - آقای کازرونی مخالفید؟

کازرونی - بلی مخالفم

رئیس - آقای فولادوند

فولادوند - مخالفم

رئیس - آقای دشتی

دشتی - عرض کنم این ماده اساساً لازم است یعنی ماده سانکسیون است و جریمه این همین است که ذکر شده و لازم و واجب است ولی بنده هم با آقای آقا سید یعقوب موافقم که این مبلغ زیاد است برای اینکه در مدت سه ماه اگر اهمال کرد يك مرتبه يك برابر جریمه بشود بنظر بنده این سانکسیون زیاد است و برای دفعه دوم و سوم بد نیست اما دفعه اول مالیاتش دو برابر بشود خوب نیست و از

آقای وزیر مالیه تقاضا میکنم که اینرا در کمیسیون بکندری اصلاح بکنند که يك قدری ملایم تر بشود یکی دیگر هم این است که عبارتش ابدأ معنی نمیدهد نوشته

مجلس

مجلس

مجلس

است: در صورت تخلف مکلفین بدادن اظهارنامه از انجام مقررات ماده فوق تا زمان وصول اطلاعات مزبور از طرف اشخاصی که مطابق این قانون عهده دارند. کدام اشخاص؟ اگر مالک است که نداده دیگر بس اگر او نداد تا آخر که مطلقاً از جریمه معاف خواهد شد زیرا قانوناً اینطور مقرر کرده است که اگر این اظهارنامه را نداد جریمه باید بشود اما چه وقت جریمه میشود وقتی که اظهارنامه را نداد و این اطلاعات را نداد اگر نداد بنا براین از سالکسیون این ماده معاف خواهد شد و بنده تصور میکنم مقصود کمسیون و وزارت مالیه این نبوده است و عبارت بد نوشته شده است و از این حیث خوب است عبارت را اصلاح کنند

وزیر مالیه (آقای تقی زاده) - اینجا عبارت بملاحظه آقایان تا اندازه درست است یعنی واضح نیست ولی مقصود این بوده است که تا زمان وصول اطلاعات مزبور از طرف آنها علاوه بر مالیات معموله ملک معادل مالیات مزبور اضافه مالیات اخذ خواهد شد. و راجع باینکه مالیات دو برابر میشود چرا يك اشتباهی برای آقایان حاصل شده است این يك چیزی نیست که تکرار شود که که میفرمایند دفعه اول و دفعه دوم و دفعه سوم و اینها نوشته شود تا آخر این مدت مقرر در این قانون یعنی پنج ماه باید بدهد و اگر پنج ماه گذشت و نداد این مالیات دو برابر میشود یعنی مالیات از او دو برابر اخذ خواهد شد و تا موقعی که نداده است این تکلیف باقی است و روزی که داد این اطلاعات را دیگر مالیات دو برابر به او تعلق نمیگیرد و فرضام که مالیات مضاعف باو تعلق بگیرد تا موقع قسط اول اگر نداد دو برابر باید بدهد یعنی وقتی که مدت دادن اظهارنامه که پنج ماه باشد گذشت این آدم تا وقتی که اظهارنامه نداده است و این جریمه هیش مداومت خواهد داشت تا وقتی که بدهد هر وقت که داد ساقط می شود موعده که گذشت اگر موقع آمد که مالیات بدهد چون اظهارنامه نداده

مکن است یکی اینجا نباشد و کسی که اینجا نیست ملکش را با چاره داده است یا مباشر دارد و بهمین نقطه نظر در ماده قانون هم مالک را مکلف کردند هم نماینده او را هم مستاجر را در هر صورت از ملکش که صرف نظر نکرده است که برود لابد دست يك کسی است هر کس که دست نماینده او است و اظهارنامه میدهد

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

پیشنهاد میکنم ماده پنج این نوع اصلاح شود

ماده ۵ - چنانچه مالک یا نماینده او که مکلف بودند اظهارنامه راجع باطلاعات شخصی خود در ظرف مدت مقرر تخلف نمودند تا زمان وصول اطلاعات که خود مالیه تحصیل نموده ملزم خواهد بود با دای عشر مالیات آن سان که از او باید ماخوذ شود

پیشنهاد آقای محمود رضا

مقام منبع ریاست معظم مجلس شورای ملی

پیشنهاد میکنم ماده پنج حذف شود

پیشنهاد آقای فتوحی

مقام منبع ریاست معظم مجلس

پیشنهاد میکنم ماده پنجم اینطور نوشته شود

در صورت تخلف مکلفین بدادن اظهارنامه از انجام مقررات ماده فوق تا زمان وصول اطلاعات مزبور از طرف آنها علاوه بر مالیات معمولی ملک الی آخر ماده **رئیس** - ماده ششم قرائت میشود:

ماده ۶ - در صورتیکه میزان محصول املاک و باعیدات مالکین آنها که در اظهارنامه ها درج شده مورد تردید مامورین مالیه واقع شود تشخیص عایدات حقیقی بتصدیق خیره مرضی الطرفین یا دو خیره از طرف طرفین بعمل خواهد آمد و چنانچه بین خیره ها توافق حاصل نشد ۵ نفر خیره از معتمدین محل از طرف اداره مالیه پیشنهاد و مالک یکی از آنها را انتخاب خواهد نمود و رای سه نفر خیره مزبور با کثرت قاطع خواهد بود. در صورتیکه

دهنده اظهارنامه در تعیین خیره بیش از يك هفته پس از تقاضای اداره مالیه مسامحه کند خود اداره مالیه اقدام به تشخیص عوائد حقیقی ملک و مالک خواهد نمود و در اینصورت مخارج مامورین اعزامی از طرف مالیه از اظهارنامه دهنده اخذ خواهد شد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - این موضوع ماده ششم را گمان می کنم خود آقای وزیر مالیه هم تصدیق بفرمایند راجع بحاکمیت دولت نیست راجع بطرز قضاوت است بعد از آنکه امر مورد تردید واقع شود قهراً ما ناچاریم در مسئله قضاوت و عدالت را منظور کنیم و نظر بحاکمیت دولت نداشته باشیم. موضوع این است که آمده است اظهار کننده برای مالیات صورت داده است که مالیات ملک من پنجاه خرورار است بعد ها مامور مالیه تشخیص داده است که صد خرورار است یا هفتاد خرورار است پس اختلاف است مابین مؤدی مالیات با مأمور مالیه طریق حل این مسئله با قضاوت است این مسئله اینکه دولت حاکم است و چماق دارد نیست باید این جا قضاوت کرد قضاوت که واقع شد باید از طریق عدالت باشد در ماده تا يك اندازه اش که يك خیره این معین می کند و يك خیره دولت معین می کند صحیح است اما در صورتیکه ما بین دو خیره توافق حاصل نشد اینجا آمدند و تمام حق را دادند باداره مالیه . . .

کلالی - بهترین ماده ها همین ماده است آقا

آقا سید یعقوب - صبر کنید آقا آخر شما هم مالیات بده هستید. این جا نوشته است که پنج نفر خیره را خود اداره مالیه معین میکند و انتخاب میکند و البته طرف اعتماد دولت هستند که انتخاب میشوند و آن مالیات دهنده مدخلیتی در آن ندارد دولت میرود و پنج نفر را معین میکند او هم ملزم است يك نفر از آن پنج نفر را قبول کند خوب اینجا اکثریت باکی میشود؟ پنج نفر را وزارت مالیه یا نماینده مالیه معین کرده است مؤدی هم یک نفر از این پنج نفر را که آنها معین کرده اند

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود :

پیشنهاد آقای آقای سید یعقوب .

پیشنهاد میکنم در ماده شش عبارت پنجنفر خبره از معتمدین محل این نوع اصلاح شود :

شش نفر خبره معتمد از طرف اداره مالیه سه نفر و از طرف مؤدی مالیات سه نفر و یک نفر از سه نفر بقرعه استخراج شود

پیشنهاد آقای طلوع

پیشنهاد میکنم در ماده ششم سطر دوم کلمه مامورین حذف و بجای آن نوشته شود پیشکاران و امنای مالیه

پیشنهاد آقای اعتبار

تبصره ذیل را بماده ۶ پیشنهاد میکنم :

تبصره در صورتیکه بوزارت مالیه ثابت شد که یک یا چند مامور مالیه متعمداً یا صرافاروی منفی بافی در اظهار نامه های تقدیمی تردید میکند مامور مذکور منصف و تعقیب خواهد شد

پیشنهاد آقای دهستانی

پیشنهاد میکنم بماده شش تبصره ذیل علاوه شود تبصره هرگاه تردید مامورین مالیه بر خلاف حقیقت شد خسارتیکه بمؤدی مالیاتی متوجه میشود مامور تردید کننده باید از عهده بر آید

پیشنهاد آقای طباطبائی دبا

مقام محترم ریاست معظم مجلس دامت شوکت

پیشنهاد مینمایم در سطر پنجم ماده ششم بعد از مالک علاوه شود (یا نماینده او)

پیشنهاد آقای فتوحی

مقام منبع ریاست معظم مجلس دامت شوکت در ماده شش پیشنهاد میکنم بعد از لفظ خود اداره مالیه (با دعوت و حضور دو نفر از معتمدین محلی) قید شود

رئیس - ماده هفتم قرائت میشود :

ماده ۷ - در صورتیکه پس از تشخیص حصول ملک و عایدات مالک بطرز مذکور در ماده ۶ معین گردد که دهنده اظهار نامه حصول ملک را بیش از دو عشر و با

عایدات مالک را بیش از یک عشر کمتر از عوائد حقیقی قلمداد کرده است پنج برابر مبلغ و مقداری که ما به التفاوت عواید حقیقی و عوائد برطبق اظهار نامه است برای بکدهغه بعنوان جزای نقدی از دهنده اظهار نامه ماخوذ خواهد شد

رئیس - آقای دشتی

دشتی - غرض از تقدیم این لایحه دو چیز است یکی اینکه دولت کاملاً بمالیات خودش برسد یکی اینکه مردم اجحاف و تعدی نشود باید هر دوی این منظور کاملاً در کمیسیون دقت شود و پیشنهاد شود عرض کنم که اولاً در این مواد یک چیز هائی هست که اسباب زحمت مردم است مثلاً اینجا نوشته است که اگر یک عشر کمتر از آن اندازه که سهم مالک است یا دو عشر از آنکه حصول ملک است اظهار نامه بدهد بدولت و بعد هم معلوم بشود که کمتر اظهار نامه داده فلان قدر جریمه می شود . آنوقت هم معلوم نیست که بچه وسیله دولت معین میکند که این کمتر اظهار نامه داده و پیشنهاد کرده است بدولت . دیگر اینکه راهش را هم . همان را قرار میدهند که در ماده سابق بوده در ماده سابق هم آنطوری که آقای آفاسید یعقوب بیان کردند کاملاً صحیح است برای اینکه ملاحظه فرمائید یک خبره از آنطرف معین میکنند و یک خبره از این طرف و این دو نفر توافق نظر حاصل نمیکند آنوقت اداره مالیه مطابق نظریه خودش پنج نفر را معین میکند و ممکن است ازین این پنج نفر صاحب ملک بهیچکدامشان اعتماد نداشته باشد ولی مطابق این ماده از قانون صاحب ملک ناچار است و مجبور است یکی از این پنجنفر را قبول و انتخاب کند بالطبع آن خبره که از میان آن پنجنفر انتخاب میشود با آن خبره که از طرف مالیه معین میشود اکثریت خواهند داشت و برخلاف مالک رای خواهند داد جریمه هم دارد این اشکالاتی است که برای مردم در عمل فراهم خواهد شد . عرض میشود اگر ما در نظر بیاوریم این منفی بافی هائی که در وزارت

مالیه از طرف مامورین وصول میشود بمردم باید رفع این اشکالات را بکنیم غالباً هم این منفی بافی ها را نه از نقطه نظر منافع دولت می کنند بلکه از نقطه نظر منافع شخصی خودشان میکنند ظاهراً خبلی حق بجانب است و میگویند از نقطه نظر حفظ عوائد دولت است و میخواهند مال دولت را حفظ کنند ولی باطن امر اینست که میخواهند نسبت بمردم سخت گیری کنند که مردم بانها رشوه بدهند مثل همان کاری که در ممیزی ها کردند پس بنابراین باید در قانون طوری پیش بینی کرد که حتی الامکان جلوگیری بشود از این سوء استفاده مامورین و اختلافاتی که بین دولت و مردم ایجاد میشود یک نکته دیگری را هم که میخواستیم عرض کنم این عبارتی است که اینجا نوشته اند : دهنده اظهار نامه حصول ملک را بیش از دو عشر و با عایدات مالک را بیش از یک عشر کمتر از عوائد حقیقی قلمداد کند این جا باید نوشته شود کمتر از یک عشر یا کمتر از دو عشر قلمداد کنند . این عبارت ماده عبارت بدی شده است بیش از کمتر از یک عشر معنی ندارد یک عبارت خیلی بدی است باید نوشته شود هرگاه دهنده اظهار نامه حصول ملک را دو عشر کمتر از آن حصول حقیقی ملک خود قلمداد کند یا اینکه یک عشر سهم مالک را کمتر از عوائد حقیقی قلمداد کند فلان قدر جریمه میشود .

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - البته بماده هفتم توجه فرمودند که میگوید در صورتیکه پس از تشخیص حصول ملک و عایدات مالک مطابق ماده ششم - پس از آنکه مالک اظهار نامه نداد یا اینکه خبره اش را معین نکرد یا معین کرد ولی توافق نظر بین خبره ها حاصل نشد آنوقت باین ترتیب از او جرم گرفته میشود نه اینکه همین طور بیک خود از آن چیزی که خبره ها تشخیص داده اند که یک عشر از سهم مالک یا دو عشر از حصول ملک کمتر گفته است جرم میشود . و اما اینکه فرمودید آن پنجنفر را مأمور مالیه معین می کنند این است لیکن

مزم است قبول کند خوب اینجا اکثریت باکی میشود آقای کلای ؟ پس خوب است قدری صبر کنید . اینجا خود آقای وزیر مالیه عدالتش بیش از موافقت کردن جناب عالی است در اینجا بنده عقیده ام چه چیز است ؟ حالا عرض میکنم پیشنهاد هم کردم در این جا طریق حکمیت را همانطوریکه مرکز در اذهان ما است معین نمایند سه نفر را مأمور مالیه معین کند سه نفر را هم مؤدی مالیات این شش نفر یک نفر از اینها هم بحکم قرعه معین شود این یک نفر سر حکم می شود در واقع و این یک نفر با دو نفر دیگر قضاوت قانونی کنند و حکومت کنند و الا این ترتیب را بنده می خوانم آقای کلای ملتفت باشید خوب نیست می نویسد : در صورتیکه میزان محصول املاک و یا عایدات مالکین آنها که در اظهار نامه دج شده مورد تردید مامورین مالیه واقع شود تشخیص عایدات حقیقی بتصدیق خبره مرضی الطرفین یا دو خبره از طرف طرفین بعمل خواهد آمد تا این جا درست است . بعد میگوید و چنانچه بین خبره ها توافق حاصل نشد پنج نفر خبره از معتمدین محل از طرف اداره مالیه پیشنهاد (اینجا قضاوت را تماماً به اداره مالیه داده است) و مالک یکی از آنها را انتخاب خواهد نمود و رأی سه نفر خبره الی آخر این جا همیشه ما دو نفر دادیم با اداره مالیه و یک نفر دادیم به اظهار کننده . این است که بنده در اینجا پیشنهاد کردم که طریق همان طریق حکمیت باشد که سه نفر این معین بکند و سه نفر هم او انتخاب کند و یک نفر ازین این شش نفر بقرعه انتخاب بشود این هم پیشنهاد بنده است . تقدیم میکنم .

مخبر - اینجا اتفاقاً بنده گمان می کنم این ماده خیلی خوب تنظیم شده است برای اینکه این پنجنفر را که بعنوان معتمدین محل معین می کند . بالاخره با رئیس مالیه یا مأمور مالیه نسبتاً که ندارند از یک محلی پنجنفری را که بخصوصیات و ترتیباتی که برای اشخاص معتمد محلی لازم است معرفی خواهد کرد و از بین آنها یک نفر را مالک یا مؤدی مالیات قبول خواهد کرد و ترتیب کار را میداند .

عده از نمایندگان - کافی است مذاکرات .

يك شرطی هم دارد و آن این است که این عده باید از معتمدین محل باشند پس نمی تواند يك اشخاص بیربطی را انتخاب کند. پنج نفر از معتمدین محل را انتخاب می کند و يك نفر از آن ها را مالک انتخاب و معین می کند پس بانقلاب خودش است حالا اگر در عبارت اشکالی دارد پیشنهاد بفرمائید تا عبارت اصلاح شود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - در این جا هم مخالفت بنده از دو جهت است یکی اینکه مجازات خیلی زیاد است یکی هم اینکه عبارت وافی بمقصود وزارت مالیه نیست. این جا نوشته است: در صورتیکه پس از تشخیص محصول ملك و عایدات مالک بطرز مذکور در ماده شش معین گردد که دهنده اظهار نامه محصول ملك را بیش از دو عشر و یا عایدات ملك را بیش از يك عشر کمتر از عوائد حقیقی قلمداد کرده است. حالا عبارت را هر جوری بکنیم میشود. اگر آمد و بالا تر کرد سه عشر کرد یا چهار عشر کرد باز باید همین مجازات درباره او اعمال بشود؟! حالا در کمتر از دو عشر نظریات وزارت مالیه اینقدر معلوم است که مجازات ندارد ولی نسبت به آن طرفش معین نشده است که مجازات را برای دو عشر معین کرده اند یا برای زیاده آن طرفین قضیه را ذکر نکرده اند و برای اینکه يك قدری قضاوت اداره مالیه را کمتر بکنیم باید معین بکنیم که میزان چه چیز است! چون آنوقت اداره مالیه آنجا نشسته است میگوید مفهوم این قانون دو عشر است که نوشته است اینقدر مجازات دارد اما اگر سه عشر شد باید مجازاتش زیادتر باشد چهار عشر شد دو برابر باید باشد و میگوید مفهوم قانون و مفاد قانون این است قانون را که بدست مأمورین میدهیم باید صریح باشد - یکی دیگر هم اینکه آقای وزیر مالیه تصدیق بفرمائید که این مجازات خیلی زیاد است اگر آمد و ملكی ده هزار تومان مالیاتش بود هشت هزار تومان آن را قلم داد کرده است آنوقت چقدر باید جریمه بدهد؟ پنج هزار تومان ده هزار تومان این مجازات را تصدیق بفرمائید خیلی

زیاد است این است که بنده پیشنهاد کرده ام در این خصوص اولاً در صورتیکه معلوم شود برخلاف واقع قلمداد کرده اند این برخلاف واقع تمام مراتب را شامل می شود دو عشر را شامل می شود کمتر را هم شامل می شود زائد بر آن را هم شامل می شود اگر برخلاف واقع آمده است و اظهار نامه داده است بعد از ثابت شدن در محکمه صالحه بعد از محقق شدن این مسئله دو برابر آن چیزیکه برخلاف قلمداد کرده است بدهد این پیشنهاد بنده است و تصدیق بفرمائید اینهم يك مجازاتی است که متناسب با این جرم است اما يك دفعه پنج برابر کردن متناسب با این جرم نیست و يك مرتبه هم نوشتن برخلاف واقع قلمداد کردن این همه چیز را شامل است این هم مجازاتش است جنحه و جنایت که نیست خلافی کرده است و مجازات آن خلاف هم دو برابر است این است که بنده پیشنهاد کردم.

وزیر مالیه - می خواهم عرض کنم هم راجع

باین ماده و هم راجع بمواد دیگری که مجازات دارد عرض کنم که آقایان یکقدری در خصوص مجازات ایراد می فرمایند که مجازات زیاد است یا مجازات اصلاً بقول آقا نباشد و خودشان می آیند و میدهند یا اینکه کم باشد ملاحظه بفرمائید روح این قانون و چیزی که مؤثر است در اجرای آن همین مجازات است اگر مجازات نباشد و مؤدی بداند هر وقت اظهار نامه داد داد اگر هم نداد یا برخلاف واقع داد مجازاتی ندارد هیچکس نمی آید بدهد. اینکه مکرر صحبت می شود و دائماً مداره می شود که ما میخواهیم يك کاری بکنیم که تحصیلدار نرود در محل یا خبره ها نروند یا ممیزی جدید نشود. اگر این جارا ما محکم نکنیم که در هر مورد باید خبره ها جمع بشوند و ممیزی تازه بشود پس بنا بر این باید کاری کرد که اصلاً جرئت تخلف نکند و از آن طرف اگر درست دقت بفرمائید خیلی نهایت ارفاق شده است بنده تصور می کردم که ای کاش ما می نوشتیم این جا بیست برابر نا آقایان یکقدری چانه بزنند و ده برابر بشود - اما این پنج برابر مابه التفاوت هم چندان زیاد نیست تازه این ملك صد تومان محصولش است اگر صد تومان شد تا هشتاد تومان می تواند عمداً

سهاً اشتباه کند و بیست تومان کم بنویسد. آنچه آقا فرمودند گفتند فقط دو عشر را چرا نگفتند و بقیه چه می شود این بیش از دو عشر آقا رفته است تا حد بالاتر یعنی اگر صد تومان را پنج تومان هم بنویسد باز از دو عشر زیادتر است. اگر هشتاد و پنج تومان نوشت معاف است پس در کمتر از دو عشرش معاف است اگر بیشتر باشد هر قدر بیش باشد صد تومان را ده تومان قلمداد کرد همان مجازات را دارد صد تومان را ناهشتاد تومان می تواند و اجازه دادند بهش که اشتباه کند ولی اگر هشتاد تومان را هفتاد و نه تومان نوشت این جا دیگر يك مجازاتی دارد و مجازاتش چه چیز است؟ يك تومان کمتر قلمداد کرده پنج برابرش می شود پنج تومان (پنج برابر مابه التفاوت) و بنده شخصاً از آن طرف مترسم این مجازات کافی برای اینکه آنها اهتمام بکنند و مرتباً سعی کنند و بیایند مالیاتشان را بدهند نباشد معذالك و بهمین ملاحظاتی که گفته شده است که خیلی سخت گیری نشود و بعضی جاها هست که خورده مالکین ممکن است اشتباه کنند گفتیم پنج برابر باشد آنهم يك دفعه برای ارسال که نمیگیرند برای يك دفعه است اما در این مسئله می خواهم عرض کنم خدمت آقایان در این مسئله که همیشه ملاحظه می کنند که مبدا آن طرف نماینده دولت است و مأمور دولت است خبره ها را مأمور دولت پیشنهاد میکند و بفتح دولت تمام می شود و آن طرف مالک پیشنهاد نمیکند. این را مطمئن باشید در جایی که يك مأمور مالیه يك منفعت شخصی در يك کاری داشته باشد چنانچه بعضی آقایان اشاره کردند آن می شود صاحب منفعت شخصی و صاحب ملك هم يك منفعت شخصی دارد این جا ممکن است که مأمور مالیه بهش تعدی بکند ولی در مملکت ما یا شاید بطور عموم در دنیا وقتیکه يك چیزی میان دولت و يك شخص واحد مورد مخالفت و مناقشه و کشمکش و مرافعه واقع می شود آن اشخاصی که باید در این باب حکم بکنند اگر خودشان در آن جا منفعت شخصی نداشته باشند غالباً بی آن است که دولت را محکوم کند این را ما هر روز در زندگانی خودمان مثلاً را خیلی

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود:

پیشنهاد آقا سید یعقوب

پیشنهاد میکنم در ماده هفت عبارت پیش از الخ این نوع اصلاح شود برخلاف واقع قلمداد کرده باشد دو برابر آنچه برخلاف قلمداد کرده محکوم خواهد شد

پیشنهاد قنوی

در ماده ۷ پیشنهاد میکنم بعد از جمله (عوائد بر طبق اظهار نامه است) لفظ (نسبت بعاقدی مالکانه) قید شود

پیشنهاد آقای اعتبار

تصوه ذیل را پیشنهاد میکنم:

تصوه - در صورتیکه مستأجر و نماینده عایدات حقیقی ملك را برخلاف واقع صورت داد مالک حق خواهد داشت به صورت تقدیمی اعتراض نموده و صورت عایدات

واقعی را ثنایا تقدیم دارد و اگر در صورت تقدیمی مالک اداره مالیه تردید نماید مطابق ماده ۷ عمل خواهد نمود و مأخذ اخذ مالیات صورت تقدیمی مالک است - رئیس - آقای فیروز آبادی پیشنهادی دارید

فیروز آبادی - بلی اینجا لفظ

رئیس - خوب آقا اگر پیشنهادی دارید بنویسید می فرستیم به کمیسیون .

فیروز آبادی - چون اینجا عبارت اشتباه شده . . . (صدای زنک رئیس) - دعوت بسکوت

رئیس - ماده هشتم قرائت میشود:

ماده هشتم - در ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون بدولت و مالکین اجازه داده میشود نسبت به ممیزی هائیکه تا این تاریخ بعمل آمده است و لو اینکه بتصدیق وزارت مالیه هم رسیده باشد اعتراض نمایند و در اینصورت اگر اعتراض کنند مالک باشد ممیزی جدید بخرج او بعمل خواهد آمد و اگر دولت باشد تا استقرار مالیات جدید مالیات قبل از ممیزی اخذ خواهد شد و در صورتیکه مالکین آنها اظهار نمایند که استطاعت نادیه مالیات قبل از ممیزی را ندارند پس از اخذ اظهار نامه مذکور در ماده ۴ مالیات جدید تعیین و با دولت بخرج مالک ممیزی جدید خواهد کرد

رئیس آقای وثوق

آقای مرتضی وثوق - قبل از اینکه عرایض خود را عرض کنم خاطر آقای تقی زاده وزیر مالیه را توجه میدهم باینکه شاید هیچیک از آقایان منکر وصول مالیات در این مملکت نباشند (صحیح است) زیرا تمام ما معتقدیم که باید مخارج اجتماعی مملکت را این ملت بدهد بدون اینکه چیزهایی مرافعاتی در بین باشد ولی در طریق وصول بمقصود البته يك نظریاتی است بنده بعقیده خودم آن شب در فرا کسیون يك تذکرانی دادم اتفاقاً همانطور که دیروز هم مذاکره شد يك مقدار از این لایحه و بعضی موادش ناقص است دیروز در ضمن مذاکرانی که فرمودید فرمودید که چه تحمیل جدیدی وجه مالیات

استعداد اولیه را از دست داده اند و اگر باور ندارید از خالصجات خودتان که در تمام نقاط ایران دارید تحقیق کنید که آیا این ملک حاله که داشته اید حالت پنج سال پیشش با حالت امروزین چه چیز است؟ چند خانوارش کم شده است؟ چه قدر رعیتش متفرق شده چه قدر از عایداتش کسر شده؟ بنده قول میدهم صدی صد از همان عایدات املاک خالصه با آن مواظبتی که میکنید کسر شده باشد همینطور املاک مردم در اثر سبل، در اثر آفت، در اثر کماو میری در اثر هزار جور آفت دیگر نکس پیدا کرده است روی همین اصل هم بوده شما مجبور شده اید املاک را ممیزی کردید شکایات مردم از اطراف و اکناف مملکت بقدری به دولت میرسید که دولت ناچار شد این قانون را بیاورد و شروع کند به ممیزی در اطراف مملکت و مبلغی خرج کرد حالا می خواهد ممیزی را الغاء کند مالیات املاکی که شکسته و استعداد اولیه اش را از دست داده و الان شاید صد در صد از عایداتش کسر شده حالا این جا شما می خواهید مالیات قبل از ممیزی را بگیرید. بسیار خوب. میخواهید ممیزی جدید بکنید خیلی خوب دیگر چرا بخرج مالک مینویسید اینجا ماده هشت سه قسم املاک را یعنی سه تکلیف از برای دولت معین کرده يك تکلیف برای اینکه اگر مالک اعتراض کرد به ممیزی بخرج خود آن مالک ممیزی بعمل آید. يك تکلیف حق دولت است که اگر دولت اعتراضی داشته باشد لغو میکند و مالیات قبل را میکشد و اگر مالک اعتراض نکرد که همان مالیات قبل را میدهد و اگر اعتراض کرد که بخرج خودش ممیزی میشود. يك موضوع راجع باملاکی است که خراب است اینجا بعد از آنکه صاحب ملک و مالک ملک اظهار کرد که این ملک من استطاعت دادن مالیات قبل از ممیزی را ندارد دیگر چرا بخرج مالک ممیزی شود اینجا باید دولت خودش اگر اظهار نامه مالک معتقد است با آن جرائم با آن ترتیبانی که هست مالیات را باید از روی اظهارنامه اش معین کند

تا ممیزی جدید بشود و اگر خیر دولت معتقد نیست باید بخرج خودش برود و فوراً ممیزی کند این يك عملی است که مالک مردم شکست میخورد. ملك ضایع و خراب است قناتش خراب است آنوقت مالیات ممیزی قبل را بدهد دولت و اگر ندهد بایستی حتماً خرج ممیزی را بدهد تا دولت ممیزی کند این است که آن شب هم در فرا کسیون عرض کردم و این جمله هم در آخر این ماده نبود و نمیدانم چطور شد که در کمیسیون اعضاء محترم کمیسیون این جمله را اضافه کرده اند لذا بنده پیشنهاد میکنم که این جمله از ماده حذف شود

رئیس - آقای عدل موافقت

عدل - مخالفم

رئیس - آقای یاسانی

یاسانی - عرض میشود ممیزی هائیکه بموجب قانون شده اگر از طرف دولت مورد اعتراضی شد که بموجب این ماده دولت مجاز میشود تجدید نظر کند با در نتیجه انتشار اظهار نامهها در تمام مملکت تکلیف این قسمتها بین میشود اگر يك تفاوتی با ممیزی قبل از توزیع اظهار نامهها داشت که بخبره رجوع میکنند در صورت اختلاف و الا تفاوت را خواهند داد. و اگر چنانچه يك مالکی يك مؤدی شکایت داشت که ممیزی که قبلاً شده است بضرر من تمام شده است یا جزء جمع قدیم تحصیل مالاطلاق است باید تجدید نظر شود البته وقتیکه يك مالکی تقاضا میکند از دولت که تجدید نظر شود همین طوریکه در قسمتی که خود دولت اعتراض دارد تجدید نظر را خرجش را میدهد آن قسمتی هم که خود مردم معتقدند تجدید نظر شود می شود شما خوشوقت باشید که این پیشنهادی که نمیدانم آقای اعتبار بود یا یکی از آقایان دیگر کردند در این قسمت ابتدا لایحه دولت این را نداشت. ابتداء لایحه دولت این بود که دولت تجدید نظر بکند اگر اعتراضی دارد برود تجدید نظر کند ولی بعد از مذاکرات قرار شد که از طرفین باشد اگر اشخاص هم شکایت دارند از زیادی مالیات بخواهند در آنجا گفته شد که در این مورد خرجش با خود مؤدی باشد

بنظر بنده يك تحمیل فوق‌العاده نیست در اینجا که تجدید نظر شود و خرجی داشته باشد خود مؤدی تقاضا کننده باید آن خرج را بدهد و البته اقدامات دولت از نقطه نظر منافع عمومی باید مخارجش بعهده خزانه باشد ولی اگر باز گشتش به منفعت خصوصی افراد باشد باید مخارجش را اشخاص بدهند اگر فردی دولت را دعوت بکاری کرد و این کار مخارجی داشته باشد علی‌الاصول این مخارج با آن شخص است. هر قدمی که اشخاص برای منافع خودشان بردارند مثلاً بنده میخواهم عرض حال بدهم بهدایه طلبم را از آقای وثوق فرضاً وصول کنم این را باید مخارجش را بدهم درست است که خزانه کارهای عمومی را باید مخارجش را بدهد ولی این قسمت جزو کارهای عمومی نیست من طرف او هستم اگر من بخواهم تلگراف کنم يك نقطه دولت باید مجانی بکند تمام تلگراف را من می خواهم استفاده کنم. يك وقت است که دولت از نقطه نظر منافع عمومی می خواهد يك کارهایی بکند تمام مخارج البته بعهده او است يك وقت که خیر اشخاص تقاضا میکنند از دولت که اقدام خاصی برای آنها بکند البته خرجش را باید بدهند.

رئیس - آقای عدل

عدل - عرض بنده در این ماده همان موضوعی بود که آقای وثوق گفتند ولی به ترتیب دیگر زیرا که مینویسد: و اگر دولت طرف باشد تا استقرار مالیات جدید مالیات قبل از ممیزی اخذ خواهد شد نسبت به این قسمت بنده مخالفم نظر آقای وزیر مالیه را جلب میکنم باین مسئله قوانینی که نوشته می شود غالباً برای آن عصر است. برای آن وقت است همینطور ترتیبیاتی که پیش از وضع قوانین بعد از مشروطیت گذاشته شده است ترتیبیاتی داده شده است آنها هم همان طور برای آنوقت بوده است این جزو جمعی که گذاشته میشود و همیشه جزو جمع را در آن موقعه مالیات گذاشته اند و جزو جمع نوشته اند برای آنموقع خیلی خوب بوده و عملی بوده و صحیح هم بوده است ولی بعد مقتضیات زمان يك موانعی پیش آورده است که آن جزو جمع

بنده عقیده ندارم این غیر عملی است خوبست غدغن بفرمایید آنهایی که دولت اعتراض میکنند از روی همان ممیزی قدیم گرفته شود بعد از آنکه تجدید نظر شد مالیات تازه قرار گذاشته شد آنوقت زیاده و تقیصه آن را بمؤدی پرداخت نماید و الا اگر بخواهید از نو از روی جزو جمع قدیم دریافت شود این باز عملی نخواهد شد باز تا گرفتار شکایت خواهد آمد به علاوه انهای مالیه در پشرفت این کار دچار اشکال می شوند از خردشان برسید تصدیق خواهند کرد این است که بنده پیشنهاد کرده ام تقدیم میکنم.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب موافقت میکنند؟

آقا سید یعقوب - مخالفم

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - موافقم

رئیس - بفرمائید

اعتبار - گمان میکنم اگر آقای عدل توجه بفرمایند تصدیق میفرمایند که این قانون برای این ماده بوده است فقط منظور دولت از تمام این موادی که بعد پیدا شد صرفاً این ماده بوده است و ما هم تصدیق میکنیم و بنده مخصوصاً اطلاعی هم دارم در این باب که انصافاً در خیلی جاها کلاه دولت را برداشته اند که آن مأمورینی که خردشان فرستاده اند هم کلاه مالک را برداشته اند هم کلاه دولت را برداشته اند و تقریباً سیصد چهارصد هزار تومان از مردم پول گرفته اند همین مبلغ هم دولت خسارت دیده است در نتیجه امروز رسیده ایم باین مرحله که باید از سر تمام این عملیات را بهم بزنیم و بالاخره معلوم نیست پول مالک و پول آنکسی که به نامور داده است و يك صورتی برخلاف واقع تنظیم کرده است کجاست. این مشت مأمورین بالاخره يك استفاده هائی کرده اند و اما در این قسمت که میفرمائید مالیات های سابق عملی نیست عقیده بنده عکس این است بدلیل اینکه اگر يك مالیات جزو جمعی که چندین سال آن عمل شده و از روی آن گرفته شده است عملی نباشد این طریقی را که آقا میفرمایند هیچ عملی نیست حضرت

مستطابعالی در يك قسمت نظر دارید بنده يك فكر دیگر میکنم بنده فكر میکنم يك جاهائی را که مأمورین مالیه رفته اند آنجا و بنا اینکه نخواسته اند باقوانین استناد بامتعمد بوده اند در اینجا برخلاف واقع و حقیقت يك ممیزی هائی شده است و يك صورت هائی فرستاده اند که آن ممیزی ها کاملاً برخلاف حق و عدالت بوده است و شاید صدی سی صدی چهارم بیش تر از آنها اخذ شده است الان هم هست آنها را هم وزارت مالیه در گذشته تصدیق کرده است به نفع خودش بوده است تصدیق کرده است بنده این جا باید گفت در صورتیکه مالک این جا اعتراض را داشته است قبول کنند بعد هم مالیات جزو جمع را بگیرند مالیات سابق را بنده نمیدانم يك مالیاتی که چهار سال بوده چه طور عملی نیست در این صورت مالیات ممیزی که چندین سال است عملی شده بطریق اولی عملی نخواهد بود.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - در مقابل نطق و بیانات آقای وزیر مالیه خوب انسان هر چه صحبت بکنند يك فرد ضعیفش را ایشان میگیرند و او را مورد حمله قرار میدهند میفرمایند صد تومان مالیات میدهد آنوقت چقدر تخلف کرده پنج تومان آنوقت هم سامعین میگویند پنج تومان که تخلف واقع شود خمس پنج تومان چه چیز است؟ يك تومان. این يك تومان مجازات زیاد نیست. آنوقت آن يك طرفش را ول می کنند که اگر زیاد تر شد چطور؟ در واقع آقای تقی زاده است. لیدر همه ما ها بوده اند و در بیان و نطق همیشه غلبه داشته اند بر ما. این است شکایتی نیست حکایت است اصل این ماده تصدیق بفرمائید آقای وزیر مالیه کی کلاه وزارت مالیه کلاه دولت و کلاه مردم را برداشته است که آمد هی لایحه آوردند صد هزار تومان برای ممیزی امسال گرفتند بردند بعد صدو پنجاه هزار تومان خرج کردند صدو پنجاه هزار تومان سال دیگر صدو پنجاه هزار تومان سال دیگر این را مطالعه بفرمائید به بنده بینه چقدر کلاه دولت و کلاه مالیه و مردم برداشته شد بعد از این مدت که چهار دوره است بی

در پی این مجلس بوده است زحمت کسبیده است و از بسکه شکایات از ولایات آمده است که آقایان املاکی که در زمان عباس میرزا با زمان میرزاتقی خان ممیزی شده است آن املاک تا بحال سه چهار مرتبه زیر و زبر شده است آن جزو جمعی که شما دارید آن تقویم شصت هزار سال پیش از این است شما باز دو مرتبه بر میگردد آن تقویم کهنه است این تقویم کهنه فایده ندارد بروید به بینید ممیزتان چه چیز است شما کتاب ممیزی دارید يك دفتر مفضی است مال زمان محمدرضا یکی است مال زمان عباس پیرا است مال زمان ناصرالدین شاه مال زمان میرزاتقی خان است بعد از آن شما جزو جمع ندارید این جزو جمع ها است در صورتیکه میدانید در انقلابات بوده است اینهمه انقلابات شده است اینهمه تغییر و تبدیل شده است حالات ایران حالات ایلانی بوده است گاهی از این جماعتی می آمدند اینجا را مسکن میکردند بعد رفتند جای دیگر آنوقت يك جزو جمعی آنجا داشته حالا خراب است و یکی از این رفته این رفته است آنجا را آباد کرده است در زیر سایه يك متنقذی است که مالیات آنجا را نمیدهد ولی میروند پیش دو نفر رعیت بدبخت فلک زده که این جا باقی است میگویند نو باید جزء جمع را بدهی میگوید ای آقا آنکسانی که آن مالیات را میدادند آن اشخاص بودند آن رفته اند جای دیگر آنجا در تحت يك متنقذ محلی هستند مالیات را نمیدهند حالا شما میخواهید اینجا بر گردید بهمان جزو جمع این همان چیزی بود که فرمودید فریاد همه بلند بود و زحمانی کشیده شد که بر نگردد بآن جزو جمع و حالا میفرمائید بر گردد . بقین دارم عدالت شما رؤفت شما يك جورى خواهد کرد که آن بلاها دو مرتبه سر مردم نیاید خودتان میدانید بنده در مقام اجرا نیستم عرایضم برای تذکر به وزارت مالیه است ثانیاً بعد از آنکه شما تشریف آوردید آن اشخاصیکه این بلا را سر مردم آوردند در قانون ممیزی تحقیق کنید چرا دوسیه را در نظر نمیگیرید چه

نمیض که نباید بشود با این با آن باید بدهید شما خودتان که مقنن هستید اینرا هم باید اصلاح کرد که مالیات جدید همین خواهد شد با اینکه بگذارند دولت مطابق اظهار نامه عمل کند و بخرج مالک ممیزی جدید کند این بود تذکر بنده راجع باین موضوع که عرض کردم و دیگر پیشنهادی ندارم .

وزیر مالیه - اینکه فرمودید بنده يك مورد شعفی را پیدا میکنم و آنرا عرض میکنم آقا هم خیلی این مطلب را از دایره خودش بسط میدهند و شامل همه ممیزها میکنند اینجا صریح نوشته شده است . بکسومت از آن ممیزی را ممکن است نه دولت اعتراض کند نه مالک که بجزیران بیاندازند خود دولت که حقیقه غرض بامردم ندارد که حتماً بدون هیچ دلیل موجه وبدون هیچ جهتی اعتراض کند لابد باید جهتی داشته باشد . يك قسمتی که هیچکدام اعتراض نمیکنند جریان خودش را سیر میکند يك قسمتی را که مالک اعتراض میکند دولت اعتراض ندارد دولت تصور میکند که ممیزش بد نبوده است در اینصورت مالک اگر اعتراض کند ما باو حق دادیم که تقاضا کند و دوباره ممیز بفرستیم هرطور که نتیجه بدهد . يك قسمت که میماند همان قسمتی که خودتان اشاره کردید میفرمائید که ما احتمال میدهیم و دلایل در دست است با همیشه سوء ظن هائی هست که شاید اینجا مطابق حق ممیزی نشده است آن موارد و فرمودید که این اشخاصیکه خلاف کاری کرده اند و اشتباه کاری کرده اند و با خدای نخواستگه ارتشاء کرده اند آنها را چرا مجازات نکرده اند اول این را جواب عرض کنم مگر روزنامه ها را و آنچه را که منتشر میشود و همه متبوقند مستحضر نیستید در این چند ساله اخیر از دو سال قبل باین طرف شاید مامورین هیچ وزارتخانه باندازه مامورین وزارت مالیه مجازات نشده باشند هر روز علاوه بر اینکه خود وزارت مالیه مجازات میکند بانواع وسایل معزول میکند از خدمت خارج میکند مجازات میکند هیئت های تفیشیه مملکتی در همه جای

مملکت میروند و نهایت مراقبت در کار مامورین مالیه دارند معذک باید تصدیق کرد که نه تنها در ایران شاید در همه جای دنیا اینطور باشد که مأمورین وزارت مالیه بیش از سایر جاها خلاف میکنند چون اینها در دستشان پول است کسیکه در وزارت معارف کار میکند چه خلاف کاری میتواند بکند اما اینها صاحب جمع مملکت هستند و مستقیماً میروند در ولایات پول جمع آوری میکنند از ممیزی میکنند فایده داشته باشند از تسعیر میکنند فایده داشته باشند اگر مأمور نادرست باشد میکنند فایده ببرد و البته نادرستی کند او را مجازات خواهند کرد ما وزارت مالیه و اولیای دولت با هزار چشم باید مواظب باشیم که خلاف کاری نشود حالا که فرمودید بنده صریحاً عرض میکنم فرمودید از روزیکه من آمدم چرا تجارت کردم این سوء ظن هائی که هست ما کمتر دلیل واضحی در دست داریم بنده بسرکار قول میدهم شما همه آقایان هر کس را که نشان دادید و دلیل بدست آمد یا معلوم شد یا اماره اش بدست آمد یا سوء ظن حاصل شد که باید تفقیص کرد بنده تفقیص میکنم و مجازات میکنم و اینکار را دائماً میکنیم نه اینست که نکنیم و روز بروز هم بهتر میشود پس در يك مواردیکه در اینجا دولت سوء ظن دارد این سوء ظن را بیجهت نمیشود تعقیب کرد شاید هم سوء ظن بیجهت باشد ولی در ده نایش بکیش این طور میشود نه نایش درست است وقتیکه سوء ظن دارد ایراد میکند معینش اینست که ممیز را قبول ندارد بعد از آنکه ممیز را قبول نکرد چکار بکند که ملفی است يك اساس دیگری باید داشته باشد آن اساس چیست اساسی است که سی سال چهل سال معمول بوده و دو سه سال است غیر آن معمول شده این بر میگردد بآن اساس سابق آخر باید يك اساسی در دست باشد ولی آقا يك دقتی هم بلا بجهت بفرمائید به بینید اصلاً مواردیکه ب مردم زحمت میدهند کجا است پنجمه قرار گذاشته برای اینکه مردم اظهار نامه بدهند سه ماه هم فرار گذاشته که دولت حق داشته باشد اعتراض کند

این سه ماه همان سه ماهی است که اظهار نامه میدهد اگر کسی اظهار نامه جدید بدهد و اعتراض نامه اش هم رجوع بشود و خبره ها هم تصدیق بکنند این يك نوع ممیزی است و از این بابت خلاص میشود لکن باید اینجور فرض کرد يك کسی اظهار نامه هم نمیدهد كلاه دولت را هم برداشته است و دولت هم سوء ظن دارد اعتراض هم نمیکند و نمیباید اینرا يك طوری اصلاح کند راضی هم نیست که ممیزی جدید بشود آخر این باید يك اساسی داشته باشد مطابق اساس قدیم باید از او مالیات گرفت تا اینکه بیاید و اظهار نامه بدهد یا اینکه ممیزی جدید بشود فرمودید چرا تا اینجا بدولت اختیار داده میشود میگوید اظهار نامه را که داد مطابق اظهار نامه میتواند مالیات معین کند میتواند هم اصلاح بفرستد ممیزی جدیدی تعیین کنند بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود:
پیشنهاد آقای طباطبائی دبا

تبصره ذیل را بماده ۸ پیشنهاد مینمایم تبصره - در صورت اعتراض دولت که تا استقرار مالیات جدید مالیات قبل از ممیزی اخذ خواهد شد منحصر باخذ مالیات قبل از ممیزی از سال اعتراض بوده و نسبت بسنوات قبل از آن معامله که مالیه هر محل با مالکین در مقدار و مبلغ مالیات نموده معتبر و تفاوت مطالبه نخواهد شد

پیشنهاد آقای فتوحی

پیشنهاد میکنم در ماده ۸ بعد از جمله (ولو اینکه بتصدیق وزارت مالیه هم رسیده باشد اعتراض نمایند) اینطور نوشته شود در اینصورت ممیزی ملك بخرج مالك در مدت سه ماه بعد از وقوع اعتراض مطابق ماده ۶ تجدید نظر بعمل آمده و مالیات قطعی تعیین شود

پیشنهاد دیگر آقای فتوحی

مقام منبع ریاست معظم مجلس شورای ملی تبصره ذیل را برای ماده هشت پیشنهاد میکنم

تبصره ۲ - خرج ممیزی درمورد اعتراض مالك با دولت عبارت از صدی پنج مالیات قانونی خواهد بود
پیشنهاد دیگر آقای فتوحی

در ماده ۸ تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم تبصره اول - ممیزهائی که تاحال مورد تصدیق مالك و مالیه های محل و معامله شده است محاسبه مالیاتی سنوات گذشته آنها مفرغ محسوب است

پیشنهاد آقای اعتبار

پیشنهاد میکنم در آخر ماده ۸ اضافه شود در صورتیکه در نتیجه ممیزی ثانوی معلوم شود که مالك ذبحی بوده مخارج مامورین ممیزی بعهده دولت خواهد بود

پیشنهاد آقای کلای

پیشنهاد میکنم ماده ۸ بطریق ذیل اصلاح شود ماده ۸ در ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون بدولت و مالکین اجازه داده میشود نسبت به ممیزهائی که تا این تاریخ در املاك اربابی بعمل آمده است ولو اینکه بتصدیق وزارت مالیه هم رسیده باشد اعتراض نمایند و در اینصورت اگر اعتراض کنند مالك باشد ممیزی بخرج او بعمل خواهد آمد و اگر دولت باشد تا استقرار مالیات جدید مالیات قبل از ممیزی فقط از همان سه اخذ خواهد شد و در صورتیکه مالکین آنها اظهار نمایند که استطاعت تادیه مالیات قبل از ممیزی را ندارند پس از اخذ اظهار نامه مذکور در ماده ۴ مالیات جدید تعیین و بوقع اجرا گذارده شود

پیشنهاد آقای وثوق

مقام عالی ریاست مجلس مقدس شورای ملی پیشنهاد میکنم در آخر ماده ۸ جمله و یا دولت بخرج مالك ممیزی جدید خواهد کرد از ماده حذف شود

پیشنهاد آقای عدل

پیشنهاد میکنم ماده ۸ - پس از عبارت و اگر دولت باشد اینطور اصلاح شود و اگر دولت باشد تا استقرار مالیات جدید مالیات از روی ممیزی که بعمل آمده دریافت

رو پس از تجدید نظر و استقرار مالیات جدید زیاده و تقیصه آن محسوب و پرداخت می شود

رئیس - ماده نهم قرائت میشود - سه فقره دیگر هم از این پیشنهادات مانده قرائت میشود
پیشنهاد آقای دکتر طاهری

مقام منبع ریاست مجلس مقدس نظر باینکه مواد چهار تا هفت این لایحه تمام مالکین را مکلف نموده در ظرف پنجماه صورت عوائد ملك و مالك را بدهند و در نتیجه سهم دولت قطعاً معلوم میشود در اینصورت ماده هشت رائد است و شکایت فعلی مالك با دولت عجاله از ممیزی ها بيمورد است و پیشنهاد میکنم ماده ۸ حذف شود
پیشنهاد آقای وثوق

مقام عالی ریاست مجلس شورای ملی

ماده هشت را پیشنهاد میکنم مخارج معین شود که چه مبلغ باشد
رئیس - ماده نهم قرائت میشود:

ماده ۹ - مواد ۲ - ۳ - ۷ - ۸ - ۱۰ - ۱۷ قانون ممیزی مصوب دیماه ۱۳۰۴ ملغی و سایر مواد آن بقوت خود باقیست

رئیس - آقای عدل

بنده در این ماده دو فقره توضیح میخواستم از آقای وزیر مالیه یکی مینویسد که مواد ۲ - ۳ - ۷ - ۸ - ۱۰ - ۱۷ ملغی میشود ماده سه عبارت است از حمل غله مینویسد مودیان مالیاتی در موردی که مالیات بخود را معین جنس باید بدهند بخیرند جنس مالیاتی را اگر محلی تحویل مامور مالیه نموده و برای تهیه وسایل حمل آن در ازای هر خروار پنجقران بپردازند و باینکه جنس را بنقطه که دولت معین میکند و مسافت آن بیش از پنج فرسخ نخواهد بود حمل کرده تا دو فرسخ مجاناً و زیاده از آن را کرایه عادلانه دریافت نمایند ولی مقدار جنسی که بموجب ماده دوم تسعیر میشود از داد

خرواری پنجقران معاف خواهد بود این صحیح است که دولت در اینجا مالیات جنسی را برطرف میکند ولی در يك جا هست که مالیات جنسی را از هرجائی که صلاح بداند خواهد گرفت در آنصورت ترتیب حمل آنها را چه جور خواهد کرد و یکی هم راجع بماده هفتم است ماده هفتم تصور میکنم اساساً ملغی شده است ذکر کردنش در اینجا يك توضیحی میشود ماده هفتم وقتی قانون مالیات دواب را ملغی کردند ملغی شد و دیگر لازم نیست

کلای - معذلك لازم است

رئیس - آقای آقا سید یعقوب مخالفید؟

وزیر مالیه - اجازه میفرمائید ببخشید بنده يك عرضی دارم در این باب چون آن لایحه که دولت پیشنهاد کرده بود این طور نوشته شده بود که این زحمت ها و مناقشات هم پیش نمی آمد در آنجا قید شده بود که هر يك از مواد قانون مالیات املاك اربابی و دواب مصوب دیماه ۱۳۰۴ که با این قانون تباين داشته باشد ملغی است و سایر مواد آن بقوت خود باقی است هر کدام که تباين داشته باشد آنوقت ملاحظاتی که آقایان کرده اند (چون بنده تا اینجا در کمیسیون حضور داشتم در این ماده حضور نداشتم) بعد آقایان این تغییر را دادند بعد بنده عرض کردم خدمت شان که این نکته پیش می آید ملاحظه که آقایان داشتند این بود که اگر بگوئیم هر يك از مواد قانون املاك اربابی و دواب که با این قانون تباين داشته باشد ملغی است و آنوقت سایر مواد آن بقوت خود باقی خواهد بود نمیشود گفت برای اینکه بعضی از سایر مواد آن شاید ملغی شده باشد این را میشود اینطور گفت و يك کلمه اضافه کرد هر يك از مواد قانون مالیات املاك اربابی و دواب مصوب دیماه ۱۳۰۴ که تا این تاریخ نسخ نشده و با این قانون تباين داشته باشد ملغی است و سایر مواد آن بقوت خود باقی است (صحیح است) لهذا اگر اجازه میدهند نمی میکنم که این ماده را آقایان موافقت بکنند به کمیسیون اعاده داده شود و

دقت ثانوی بشود و الا در هر يك از این مواد يك مباحثاتی خواهد شد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - يك موضوعی را بنده بمرض آقای وزیر مالیه میرسانم تصدیق می فرمایند که این مسائل پیش آقای وزیر مالیه و اعضاء مجلس همه روشن است ولی وقتی بدست اجرا و مامورین در ولایات می افتد مشکل میشود بنده خودم در مدرسه بودم يك عبارتی درس میدادم بعد نمی فهمیدند میگفتم ده نمی فهمی! میگویند نه نمی فهم بعد تکرار میکردم : قانون صریح است ما می فهمیم وزارت مالیه هم میداند لکن بموقع اجرا که میرسد ما باید بقدری قانون را صریح بنویسیم که موجب شبهه نباشد اینکه حضرت مستطاب عالی فرمودید پیشنهاد دولت این بود بنده وحشت از همین میکنم که چون نوشته است اینجا هر چیزی که مغایر و مخالف با این است ملغی میشود این هر چیزی که مخالف است در مقام قضاوت میباید يك موادی را اتخاذ میکنند که در واقع نه موافق نظر قانون گذار بوده است و نه نظر وزارت مالیه . آنوقت عمل میشود بعد شکایت میشود بوزارت مالیه وزارت مالیه شکایت را رجوع میدهد به محاکمات مالیه محاکمات مالیه رجوع میدهد به محققین آنوقت ملاحظه کنید که این بیچاره مرحوم شده است اولادش رفته است ازین برای خاطر يك اشتباهی که مادر اینجا يك قدری مسامحه کرده ایم و واضح ننوشتم . اگر ما اینجا واضح و صریح بنویسیم که این ماده و آن ماده بخصوص ملغی است دیگر اشکال ندارد چه چاره سبیل مطلق میفرمائید و سایر موادی که متباین است ازین برود بنده میدانم حسن عقیده حضرت مستطاب عالی را نسبت با اجرای قوانین و حسن عقیده مجلس را لکن در مقام عمل . چنانچه در قوانین عدلیه که بدبختانه گرفتار هستند يك ماده قانون است در صورتیکه شاید در تحت يك عبارتی ملغی شده است ولی باز می چسبند و میگویند بعلمت اینکه این

عبارت شامل آن نمیشود پس از این نقطه نظر تعیین کردن حالا که خودتان فرمودید در کمیسیون تجدید نظر بشود بهتر است بنده نظر خودم را عرض کردم که تعیین کردن مواد بهتر است و مخصوصاً همان چیزی که آقای عدل آمدند و گفتند نمیدانم چرا خوب توجه نکردید آن ماده هفت صریحاً در دوره ششم نسخ شده است این هم در نظران باشد و استدعای بنده و همینطور اکثریت مجلس این است که تعیین مواد را بفرمائید نه اینکه بر سبیل اطلاق باشد (صحیح است)

رئیس - آقای یاسائی موافقت ؟

یاسائی - بلی

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود :

پیشنهاد آقای طباطبائی دیبا

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی دامت شوکتة پیشنهاد مینمایم ماده ۹ بعنوان ماده ۱۱ مرقوم و به ترتیب ذیل نوشته شود

ماده ۱۱ - مواد ۲ - ۳ - ۷ - ۸ - ۱۰ - ۱۷ قانون مجری مصوب دیماه ۱۳۰۴ ملغی است

پیشنهاد آقای فتوحی

پیشنهاد میکنم در ماده ۹ - ضمن مواد ملغای قانون مجری مصوب دیماه ۱۳۰۴ ماده نهم قانون زبور علاوه شود -

پیشنهاد آقای کلایلی

ماده ۹ را بطریق ذیل اصلاح میکنند
ماده ۹ - مواد ۲ - ۳ - ۷ - ۸ - ۹ - ۱۰ - ۱۵
۱۷ قانون مجری مصوب دیماه ۱۳۰۴ ملغی و سایر مواد آن که مقابرتی با مواد اینقانون نداشته باشد بقوت خود باقی است -

رئیس - ماده ۱۰ قرائت میشود

ماده ۱۰ - اینقانون علاوه بر اینکه بوسیله وزارت مالیه با اطلاع عامه خواهد رسید بوسیله وزارت داخله نیز

بنسبت کدخدایان با اطلاع اهالی قراء باید برسد
رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - موافقم

رئیس - مخالفی نیست ؟ (خبر) پیشنهاد آقای ناصری قرائت میشود :

ناصری - پیشنهاد بنده راجع بماده ۹ بود

طلوع - بنده هم يك پیشنهادی راجع به ماده نه داده بودم

رئیس - گذشته است میفرستیم بکمیسیون (خطاب به آقای ناصری) اینجا نوشته است ماده ۱۰

ناصری - بنده اشتباه کردم مقصود ماده نه بود .
رئیس - ماده یازده قرائت میشود :

ماده ۱۱ - باستانهای موادی که تاریخ اجرای آن در خود قانون معین گردیده است بقیه مواد پس از تصویب بموقع اجرا گذارده خواهد شد و وزارتخانه های مربوطه مسئول اجرای آن میباشند

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - موافقم

رئیس - آقای وثوق

وثوق - اینجا مینویسد وزارت خانهای مربوطه باید بنویسند وزارت مالیه مسئول اجرای آن خواهد بود (بعضی از نمایندگان - وزارت داخله) وزارت داخله برای نشر اعلان است نه مسئول خود امر این است که بنده عقیده دارم وزارت مالیه مسئول اجرای اینقانون باشد بهتر است تا وزارت خانهای مربوطه

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - بمعقیده بنده اینطوری که نوشته بهتر است بعلمت اینکه سایر وزارت خانها غالباً مسئول میشوند اولاً در ماده قبل نوشته شده است بوسیله وزارت داخله بنسبت کدخدایان با اطلاع اهالی قراء باید برسد این يك تکلیفی است که برای وزارت داخله معین کرده اند و علاوه مامورین نظمیہ مکلفند که در اجرای این قانون

با مامورین مالیه علی الاصل مساعدت کنند مقصود اینست که اینقانون اصل تحصیلداری را از بین ببرد (ولو حالا باین زودی هم نشود) که مردم خودشان مالیات را بدهند و محتاج تحصیلدار دیگر نباشند و اگر يك کسی تخلف کرد بمامورین نظمیہ و امنیه در شهر و بیرون مراجعه میکنند و مورد تخلف را تمقیب میکنند بنا بر این باید این ترتیب باشد که سایر وزارتخانها هر کدام در قسمت خودشان مامور اجرا باشند

رئیس - آقا اعتبار مخالفید

اعتبار - بلی بنده گمان میکنم فرمایشیکه آقای وثوق کردند صحیح است برای اینکه آقا می فرمایند مامورین نظمیہ و امنیه ..

(در این موقع آقای اسفندیاری از مجلس خارج میشدند)
رئیس - آقا نامل بفرمائید اگر بخواهید تشریف

ببرید ما می خواهیم رای بگیریم مشکل میشود و مجلس از اکثریت میافتد

اعتبار - مامورین نظمیہ و امنیه يك مسؤلیتهای مستقیمی ندارند کمک میکنند یا شرکت میکنند دراجراء یا اعلانات را منتشر می کنند آنها مسؤل مستقیم نیستند اگر چنانچه در اجراء این قانون مردم بخواهند مراجعه کنند بدانند مرجعشان کجا است این است که بمعقیده بنده ما وزارت مالیه را فقط مسؤل اجراء قرار بدهیم بهتر است (صحیح است)
رئیس - مذاکرات کافی است ؟ (بلی) مواد الحاقیه قرائت میشود :

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی . ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد مینمایم

ماده الحاقیه - املاک و اراضی صیفی کاری از مالیات معاف است محمود رضا

ماده الحاقیه آقای دهستانی

ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد میکنم

ماده الحاقیه - چنانچه در اجرا و اقدام هر يك از

مواد اینقانون از طرف مامورین دولت برله و یا بر علیه
مؤدیان مالیاتی اغفال و یا اعمال غرض و نظر خصوصی
شود. مجازات مرتکب انفصال از خدمت دولت خواهد بود
پیشنهاد آقای اعتبار

در ماده یازده پیشنهاد میکنم بجای وزارتخانه‌های مربوطه
نوشته شود وزارت مالیه

رئیس - موافقین با ورود در شور حوم قیام فرمایند
(اکثر برخاستند) تصویب شد
[۳ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]
رئیس - جلسه آینده شنبه سوم آبان ماه سه ساعت
قبل از ظهر دستور لایحه عتیقات
(مجلس یکربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر